



نقش امام سجاد(ع) در تدوین حدیث و فقه شیعه

در روز پنجم ماه مبارک شعبان المعظم سال 38 هجری [1] در مدینه منوره در خاندان وحی و امامت، کودکی چشم به جهان گشود که جد ایشان، حضرت علی(ع) او را "علی" نام نهادند. پدر بزرگوارش امام حسین(ع) و مادر گرمی اش بنا بر نقل بیشتر مورخین «شهربانو» [2] دختر یزدگرد(پادشاه ساسانی ایران) می‌باشد.

در روز پنجم ماه مبارک شعبان المعظم سال 38 هجری [1] در مدینه منوره در خاندان وحی و امامت، کودکی چشم به جهان گشود که جد ایشان، حضرت علی(ع) او را "علی" نام نهادند. پدر بزرگوارش امام حسین(ع) و مادر گرمی اش بنا بر نقل بیشتر مورخین [2] دختر یزدگرد(پادشاه ساسانی ایران) می‌باشد.

1- شخصیت علمی و معنوی

امام چهارم، حضرت علی بن الحسین، ملقب به سجاد(ع)، پس از شهادت پدر بزرگوارش حضرت امام حسین(ع) در واقعه عاشورای سال 61 هجری، امامت و ولایت مسلمانان و شیعیان را عهده‌دار شدند.

ابو حازم(یکی از محدثین) می‌گوید: [1]؛ ما رایث هاشمیا افضل من علی بن الحسین ولا افقه منه [3]؛ یعنی؛ از میان بنی هاشم [اهل بیت پیامبر] هیچ کس را والاتر و داناتر از علی بن الحسین [ع] ندیدم.

زهری می‌گوید: [1]؛ لم أدرك احداً من اهل هذا البيت - بيت النبي(ص) - افضل من علی بن الحسین [ع]؛ یعنی؛ از میان خاندان پیامبر(در این زمان) هیچ کسی را با فضیلت‌تر از علی بن الحسین(ع) ندیدم.

پیرامون مقامات معنوی و عبادت حضرت، از امام باقر(ع) روایتی نقل شده است که ذکر می‌شود: [1]؛ کان قیام علی بن الحسین(ع) فی صلاته قیام العبد الذلیل بین یدی الملک الجلیل، کانت اعضاوه ترقعد من خشية الله وکان یصلی صلاة مودع یری ائه لا یصلی بعدها ابدأ؛ یعنی؛ پدرم در نمازش، همانند بنده ضعیف در مقابل خداوند بزرگ می‌ایستاد و اعضای بدنش از خوف خداوند می‌لرزید همانند کسی که آخرین نماز خود را می‌خواند.

در سایر صفات و کمالات اخلاقی امام زین العابدین(ع) نیز سخن به همین منوال است. ائمه معصومین(ع) به معنای واقعی کلمه الگو و اسوه مردم زمان خود و تمامی بشر تا روز قیامت اند. بر ما مسلمانان و شیعیان است که با سر مشق گرفتن از آن‌ها و پای‌بندی عملی به گفتار و کردار آن بزرگواران بتوانیم وظایف خودمان را انجام دهیم، ان شاء الله.

2- وضعیت شیعیان

کوفه که در آن زمان پایگاه شیعیان بود، تبدیل به مرکزی جهت سرکوبی شیعیان شده بود، اکثر شیعیان واقعی امام حسین(ع) در حادثه کربلا به شهادت نایل آمده بودند. آن عده‌ای هم که هنوز زنده بودند، تحت شرایطی که عبیدالله بن زیاد به وجود آورده بود جرأت خودنمائی نداشتند، شیعیان پس از واقعه کربلا و شهادت جمع زیادی از خاندان پیامبر(ص) در وضعیت روحی و فکری سختی بسر می‌برند، دشمنان خیال می‌کردند، پس از رویداد واقعه عاشورا، دیگر در هیچ زمانی شیعه و رهبران آن‌ها نمی‌توانند قدرت پیدا کنند ولی این خیال باطلی بود، امام سجاد(ع) موفق شد با تلاش‌های فراوان به شیعه حیاتی تازه ببخشد و زمینه را برای تجدید حیات واقعی در زمان امام باقر(ع) و امام صادق(ع) آماده سازد.

امام علی بن الحسین(ع)، در طول مدت 34 سال امامت و هدایت مسلمانان موفق شدند، شیعیان را از یکی از سخت‌ترین دوران‌ها

نجات دهد. دورانی که جز سرکوب، فتنه، تحریف، قیام های باطل و کشتار شیعیان چیزی، هم راه نداشت.

3- امام سجّاد (ع) و قیام های شیعی

در دروان امامت امام زین العابدین علیه السلام چند قیام و شورش اسلامی، شیعی در دفاع از مظلومیت ائمه معصومین(ع) و اظهار توبه از عدم حمایت اهل بیت پیامبر(ص) صورت گرفت. گرچه در بعضی از آن ها اغراض غیر الهی نیز دخالت داشت!

الف: واقعه حرّه

اولین برخورد امام سجّاد علیه السلام با امویان در زمان امامت خویش، با عبدالله بن زیاد در شهر کوفه بود و همین طور با نماینده بنی امیه در آن زمان، یعنی یزید بن معاویه در شام که حضرت با ایراد سخنان و خطبه ای آتشین، مقام و منزلت اهل بیت رسول خدا(ص) و نگون بختی دشمنان به ویژه بنی امیه را ذکر می کند.

در واقعه حرّه که شورش کوچکی به رهبری عبدالله بن حنظله، غسیل الملائکه، در اعتراض به دستگاه اموی و یزید بود، امام(ع) موضع بی طرفی گرفت و از شهر مدینه بیرون رفت و حتی برای جلوگیری از ریخته شدن خون ها، عده ای زیاد از مردم بی دفاع را پناه داد. [5]

یکی از دلائل عدم مخالفت صریح و موضع انقلابی(قیام با شمشیر) توسط حضرت، مسئله "تقیّه" بود که حضرت از آن به عنوان سپری برای حفظ اصل دین استفاده می کردند که در فقه سیاسی اسلام، جایگاه آن و مواردش روشن شده است و یکی از مسلمات فقه شیعه می باشد.

لذا امام(ع) از آن جایی که می دیدند اگر قیام نمایند، قطعاً کشته خواهند شد و خوف از بین رفتن بقیّه السیف و اصل دین می باشد و چه بسا، از نسل پیامبر(ص) کسی زنده نماند و به هدفی هم نرسند، از این کار خودداری نمودند و آن را به مصلحت اسلام ندانستند و وقت خود را صرف تربیت انسان های فداکار و آگاه به مبانی دین و معارف الهی در ابعاد اخلاقی، تربیتی، علمی، فرهنگی و سیاسی کردند تا در صورت نیاز، از آن ها در راه نشر دین و مبارزه با دشمنان استفاده کافی شود.

امام زین العابدین علیه السلام بعد از ورود به مدینه مشاهده کرد که حادثه کربلا در میان مردم به خصوص شیعیان (عده ای که بنا به علی نتوانستند امام حسین علیه السلام را یاری دهند و یا نخواستند) اثر تلخ و نگران کننده گذاشته است! چنان چه عده ای گمان می کردند که دیگر شیعیان، نخواهند توانست قد علم کنند و کار آن ها، به پایان رسیده است و یا این که لااقل در صحنه سیاسی جامعه و اداره آن نخواهند توانست کاری از پیش ببرند.

البته، درست است که جامعه مسلمین(به خصوص شیعیان) بعد از حادثه کربلا دیگر توان مقابله شدید با دستگاه اموی را نداشت اما آن ها دریافتند که امویان برای رسیدن به اغراض دنیائی خود و حکومت بر مسلمین، از انجام هر جنایتی حتی، اگر کشتن فرزند پیامبر(ص) باشد، دریغ نخواهند نمود. لذا امام چهارم(ع) دست به فعالیت های سازندگی روحی و معنوی مردم مسلمان زد و مبارزات خود با ظلم و ستم اموی را به شکل دیگر(یعنی آماده سازی نیرو برای آینده) شروع نمود. گو اینکه از اعتراض به جنایات و ظلم های حکام اموی نیز غافل نمی شد.

ب: نهضت توأبین

یکی از این قیام ها، نهضت توأبیین بود که مردم کوفه به رهبری سلیمان بن صرد خزاعی، به همراهی چندین هزار نفر از کوفیان در آن شرکت داشتند. ادعا شده است که رهبری توأبیین، امامت علی بن الحسین (ع) را پذیرفته بود. [6] آن چه مهم است این است که آیا آن ها در صورت پیروزی، رهبری و امامت شیعیان را به اهل بیت پیامبر (ص) که مصداق آن در این زمان حضرت سجاد (ع) بودند واگذار می نمودند!

شروع این نهضت به طور پنهانی پس از حادثه جان گذار و خونین کربلا آغاز شد، اما در سال های 64 و 65 به اوج خود رسید و به صورت تهدیدی جدی علیه ابن زیاد و دستگاه اموی در آمد. آن ها می گفتند: «#171; ما از عدم حمایت از اهل بیت رسول خدا (ص) که به شهادت حضرت حسین بن علی "علیهما السلام" انجامید سخت پشیمانیم و لذا برای پاک کردن دامن خود از این گناه، دست به شمشیر برده و بر قاتلین حضرت می تازیم. آن ها از ناحیه وجدان خود سخت در عذاب بسر می بردند و آرامش وجدان خود را شرکت در نهضت خونین و در نهایت کشته شدن می دانستند و فریاد می زدند: "ما از زندگی در دنیا سخت بی زاریم و هرگز به خاطر آن، دست به شورش نزده ایم» [7]. [8] آن ها در جنگ خونین خود با سپاه اموی شکست خوردند و اکثریت آن ها به هم راه فرماندهان شان به شهادت رسیدند.

ج: قیام مختار

پس از شکست توأبیین، قیام «#171; مختار بن ابی عُبَیْدَةَ الثَّقَفِی» در کوفه، علیه بنی امیه شروع شد. هدف او اگر چه بیشتر رنگ سیاسی داشت، اما در آن موقعیت، نقش مهمی در سوزاندن پایه های ستم دستگاه اموی ایفا نمود و فکر می کرد اگر شورش و نهضتش به موفقیت برسد باید رهبری آن در دست یکی از آل محمد (ع) باشد. لذا نامه ای به امام چهارم حضرت سجاد (ع) نوشت و درخواست نمود تا فرمان دهی و هدایت نهضت را به عهده بگیرند، ولی امام (ع) امتناع ورزید.

امام سجاد (ع) به خوبی مختار و اهداف خاص او را می شناخت و موقعیت جامعه آن روز را نیز آماده قیام نمی دیدند. مختار، نامه ای به «#171; جناب محمد بن حنفیه» نگاشت که او جواب منفی نداد. مختار کار خود را شروع نمود. او در مرحله اول، با کمک سائر فرماندهان مانند ابراهیم بن مالک اشتر، با جمع آوری لشکر فراوان، به دنبال قاتلان درجه اول شهادی کربلا رفت و سرهای ناپاک عبیدالله بن زیاد، عمر بن سعد، خولی، شمر بن ذی الجوشن و... را از بدن آن ها، جدا کرده و نزد امام سجاد (ع) فرستاد و امام (ع) سجده شکر، انجام داده و فرمودند: «#171; خدای مختار را جزای خیر دهد... [8]» [9]

البته قابل ذکر است که بعضی از تاریخ نویسان می گویند؛ مختار از "محمد بن حنفیه" سوء استفاده کرد و حتی او را مهدی موعود! نامید و از آن زمان عده ای به نام "کیسانیه"، فرقه جدیدی درست کردند و قائل به امامت محمد بن حنفیه شدند! ولی بنا بر آن چه در منابع شیعه آمده است، محمد بن حنفیه از اصول اعتقادی تشیع منحرف نبود و امام سجاد (ع) را به عنوان حجت خدا قبول داشت.

به هر حال، قیام مختار نیز تا مدت زیادی دوام نیاورد و در سال 67 هـ. ق توسط آل زبیر سرکوب شد. در مجموع می توان گفت: مختار گرچه خدماتی برای شیعه انجام داده است و در این جهت مورد رضایت و تایید ائمه بوده است [9] ولی درست شدن فرقه کیسانیه و مطرح کردن محمد بن حنفیه به عنوان مهدی موعود (ع) [10] و یا غرض های غیر الهی در سر داشتن و توجه زیاد به احساسات نمودن و حتی غافل کردن مردم از دشمن اصلی، هیچ گاه مورد تأیید ائمه (ع) نبوده و حتی مورد مذمت نیز بوده است. [11]

4- میراث علمی و اخلاقی

الف: صحیفه سجادیه

یکی از خدمات ارزش مند و تاثیرگذار حضرت امام سجاد (ع) به اسلام و مسلمین صحیفه سجادیه می باشد که مجموعه ای از ادعیه در

باب تهذیب نفس، رابطه بنده با خداوند، توجه به آخرت و اعراض از دنیا، اخلاق پسندیده، دعا در هنگام مشکلات، دعا در باره پدر و مادر، فرزندان، همسایگان، مرزداران مملکت اسلامی، طلب روزی از خداوند و دعا در اعیاد، خوف خدا و تواضع و ده ها مورد دیگر است.

امام سجّاد(ع) با بصیرت تمام می دید که بزرگ ترین نیاز مردم در آن زمان، همین مسائل است. در زمانی که توجه به دنیا و زخارف آن زیاد شده بود و اعراض از عبادت و مسائل اسلامی نیز فراوان مشاهده می شد، بهترین دارو برای درمان این مشکل(سرطان روحی)، همانا برقراری ارتباط با خدا[صحیفه سجّادیه] که دریائی از معارف الهی در آن نهفته بود.

عظمت این کتاب گران بها، علاوه بر شیعیان، در بین اهل سنت نیز مقبول و پذیرفته شده است. [13] و این خود حاکی از این است که دعاهای امام سجّاد(ع) در درون جامعه آن روز، نفوذ کرده و همه مسلمانان(شیعیان و اهل سنت)، از آن به عنوان راهی به سوی خدا و معنویت استفاده می کردند.

زمانی که حتی نام گذاری اشخاص به نام علیؑ؛ 171#& مجازات دارد و کار حاکمان بنی امیّه با سبّ علیؑ علیه السلام شروع و ختم می شد؛ به کار گیری این تعبیر، ارزش خود را به خوبی نشان می دهد.

از مسائل دیگری که صریحاً در لابلای دعاهای امام زین العابدین(ع) به چشم می خورد، همانا مسئله امامت و حقانیت اهل بیت پیامبر(ع) در احراز آن و رهبری جامعه مسلمین می باشد. کسانی که علاوه بر پاک دامنی و تقوا از مقام عصمت هم برخوردارند. برای روشن تر شدن جایگاه اهل بیت(ع) در بین مردم مشاهده می کنیم تعبیری که بیش از همه تکرار شده همانا "صلوات بر حضرت محمد و آل محمد(صلوات الله و سلامه علیهم)" است.

ب: رساله الحقوق

از حضرت امام سجّاد زین العابدین(ع) رساله ای در حقوق با عنوان "رسالة الحقوق" نیز به جای مانده که در کتب محدّثین شیعه مانند کتاب من لایحضره الفقیه، خصال، أمالی، ثحف العقول و... ذکر گردیده است. پیرامون این رساله و شرح و توضیح آن از سوی علما و محققین اسلامی، کتاب ها و رساله های فراوانی منتشر شده است.

5- زمینه سازی تدوین حدیث و فقه شیعه

در زمانی که گروه های مختلف با ایده ها و افکار التقاطی، در پی اهداف خود بودند و هر کدام برداشتی خاص از اسلام و قرآن می کردند، بخصوص با فاصله گرفتن از عصر نبوی(ص)، خوف این می رفت که سنت واقعی و معارف ناب اسلامی از بین برود. امام سجّاد علیه السلام که وارث و خزانه دار علم الهی بود، دست به تربیت دانش مندان زیادی زد تا از این طریق قرآن و سنت واقعی پیامبر(ص) بر مردم بیان شود و فرقه های منحرف نتوانند به اغراض و اهداف شیطانی خود برسند. به ویژه این که حاکمان ستم گر اموی تمام سعی خود را در دور نگه داشتن مسلمانان از معارف حقیقی قرآن و سنت واقعی نبوی گذاشته بودند.

روی این هدف بسیاری از طالبان علم و دانش، در سلک راویان حدیث و شاگردان حضرت در آمدند تا از سرچشمه زلال دانش او بهره ها گرفته و به حقایق قرآن و معارف دینی اسلام دست بیابند.

مرحوم شیخ طوسی(ره) تعداد 170 نفر از اصحاب امام سجّاد(ع) و یا کسانی که از آن حضرت روایت نقل کرده اند[14] را ذکر کرده است که از مشهورترین اصحاب و شاگردان حضرتش: ابو حمزه ثمالی، سعید بن مسیب، محمد بن جبیر، ابو خالد کابلی، سعید بن جبیر و ... می باشند.

از طرف دیگر عالمان اهل سنت مانند ابن شهاب زُهری، محمد بن سعد، یحیی بن سعید و جاحظ در باره مقام علمی و زهد و کمالات امام سجّاد(ع) سخن ها گفته اند و همگی او را به بزرگی یاد کرده اند.

در نتیجه، سنگ بنای فقه و زمینه سازی آن از زمان امام سجّاد(ع) و توسط آن حضرت شروع شد و در عصر امام باقر و امام صادق "علیهما السلام" با توجه به موقعیت و شرایط پیش آمده(تغییر و جا به جایی خلافت از بنی امیه به بنی عباس) به اوج خود رسید و فقه و مذهب جعفری تکمیل و تدوین شد.

فسلام علیه یوم ولد ویوم استشهد و یوم بیعت حیّا

6- معرفی برخی از منابع مفید(عربی- فارسی)[بدیهی است معرفی منابع، به معنای تأیید محتوای کامل آن ها نمی باشد].

الف) کتاب های عربی

- الصحیفة السجّادیه... من انشاء الإمام العارفين، سید الساجدین، زین العابدین علی بن الحسین(علیهما السلام)، المجمع العالمی لأهل البیت(ع)، الطبعة الثالثة، رحلی، 1428 ق، 642 ص.

- أعلام الهدایة؛ الإمام علی بن الحسین "زین العابدین"(ع)، المجمع العالمی لأهل البیت(ع)، المجلد السادس، الطبعة السادسة، مزیدة و محققة، وزیري، 1430، 260 ص.

- بلاغة الإمام علی بن الحسین، خطب، رسائل، کلمات، الشیخ جعفر عباس الحائری، تحقیق: عبد الأمير السلطانی، المجمع العالمی لأهل البیت(ع)، وزیري، 1423 ق، 241 ص.

- الإمام الرابع؛ الامام علی بن الحسین، زین العابدین(ع)، گروه نویسندگان، ترجمه: محمد عبدالمنعم الخاقانی، قم، مؤسسه در راه حق، 1370، رقی، 40 ص.

- الإمام الرابع زین العابدین، علی بن الحسین(ع)، محمد حسن قبیسی العاملی، بیروت، 1403 ق/1983 م، وزیري، 127 ص.

- الإمام زین العابدین(ع)، سید عبدالرزاق الموسوی المقرّم(1316-1391 ق)، نجف، مکتبة الحیدریة، 1374 ق، وزیري، 436 ص(این کتاب دو بار به فارسی ترجمه شده است).

- الإمام زین العابدین؛ علی بن الحسین(ع)، احمد فهمی محمد، قاهره، بی نا، بی تا، وزیري، 160 ص.

- الإمام زین العابدین(ع)؛ عنقودٌ مرصعٌ، سلیمان کتانی، سلیمان کتانی، دار الروضة للطباعة والنشر، 1414 ق[این کتاب در مسابقه تألیف از سوی مؤسسه آل البیت(ع) به مقام سوم دست یافت و منتشر شد].

- الإمام السجّاد(ع)؛ دراسة تحليلية، کریم جبر الحسن، مراجعه و تقدیم: سید جعفر مرتضی عاملی، بیروت، مؤسسه البلاغ، 1989 م.

- الإمام علی بن الحسین(ع)، علی محمدعلی الدخیل، چاپ دوم، بیروت، دار التراث الاسلامی، 1394 ق/1974 م، رقی، 103 ص.

- بلاغة الإمام علی بن الحسین(ع)، جعفر عباس الحایری، تقریظ: علامه سید عبدالحسین شرف الدین الموسوی، چاپ سوم، قم، مکتبة الثقلین، بی تا، رقی، 290 ص.

- جهاد الإمام السجّاد، زین العابدین(ع)، السید محمدرضا الحسینی الجلالی، قم، بی نا، 1413 ق/1372 ش، وزیري، 336 ص.

- حياة الإمام زین العابدین(ع)؛ دراسة وتحلیل، باقر شریف القرشی(ره)، بیروت، دارالأضواء، 1409 ق/1988 م، وزیري، 2 ج، 262

ص. (این کتاب به فارسی ترجمه شده است).

- حیاة الامام علی بن الحسین (ع) و تراجم اصحابه، شیخ کاظم الساعدی، نجف، مطبعة الغری، 1375 ق/1955 م، رقعی، 440 ص.
 - الحیاة السیاسیة للإمام السجاد (ع)، شیخ نوری حاتم، بیروت، مؤسسة المرتضی العالمیة، 1414 ق/1994 م، وزیری، 185 ص.
 - زین العابدین (ع)، شیخ عبدالحلیم محمود (شیخ جامع الأزهر)، قاهره، دار الاسلام، 1973 م، 146 ص.
 - زین العابدین علی بن الحسین (ع)، عبدالعزیز سیّد الأهل، چاپ دوم، قاهره، مکتبة وهبة، 1961 م، رقعی، 110 ص (این کتاب، دو بار به فارسی ترجمه شده است).
 - زین العابدین علی بن الحسین، بن علی بن ابی طالب (ع)، محمد عبدالرحیم، بیروت، دارالایمان، 1988 م، 96 ص.
 - فی رحاب الصحیفة السجادیة، سید عباس الموسوی، بیروت، دار المرتضی، 1411 ق.
 - فی ظلال الصحیفة السجادیة، شیخ محمدجواد مغنیه (م1400 ق)، بیروت، دار التعارف، 1979 م.
 - منهاج التحرك عند الامام السجاد (ع)، عبدالکریم آل نجف، وزیری، 125 ص.
 - النظریة السیاسیة لدى الامام زین العابدین (ع)؛ محمود بغدادی، قم، المجمع العالمی لأهل البیت (ع)، 1374 ش/1416 ق، وزیری، 450 ص.
 - وفاة الامام السجاد؛ علی بن الحسین (ع)، شیخ حسین البحرانی (م1387 ق)، قم، منشورات الشریف الرضی، 1411 ق (چاپ افسست)، رقعی، 56 ص.
 - ولادة امام زین العابدین (ع)، سید محمدحسین الطالقانی، نجف، دار المعارف، 1387 ق، رقعی، 31 ص.
- ب) کتاب های فارسی
- پژوهشی در زندگی امام سجاد (ع)، آیت الله سید علی خامنه ای (رهبر معظم انقلاب اسلامی)، تهران، دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی، 1361، رقعی، 80 ص.
 - پیشوایان هدایت (ج 6)؛ زین العابدین، حضرت امام سجاد (ع)، مجمع جهانی اهل بیت (ع)، مترجم: کاظم حاتمی طبری، وزیری، 300 ص.
 - امام چهارم (ع)؛ پاسدار انقلاب خونین کربلا، علی اکبر حسینی، قم، انتشارات نسل جوان، 1356، جیبی، 215 ص.
 - امام سجاد (ع)؛ جمال نیایش گران، گروه تاریخ اسلام، بنیاد پژوهش های اسلامی، نگارش: احمد ترابی، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، 1373، وزیری، 328 ص.
 - امام سجاد (ع) و داستان حرّه، رضا استادی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، 1372، وزیری، 25 ص.
 - تحلیلی از زندگانی امام سجاد (ع)، شیخ باقر شریف القرشی (ره)، ترجمه: محمدرضا عطایی، مشهد، کنگره جهانی حضرت رضا (ع)، 1372، وزیری، ج2، 450-766 ص.
 - چراغ روشن در دنیای تاریخ، یا زندگانی امام سجاد (ع)، سید جعفر شهیدی (ره)، تهران، انتشارات علمی، 1344، رقعی، 232 ص.
 - حضرت سجاد، علی بن الحسین، فضل الله کمپانی، تهران، انتشارات خزر، 1357، وزیری، 335 ص.
 - خطبه ها، نامه ها و سخنان امام سجاد، علی بن الحسین (ع)، جعفر الحایری، ترجمه: احمد صادقی اردستانی، تهران، انتشارات خزر،

- در رهگذر کوفه و شام و خطبه های امام سجاد(ع) و آثار آن، حسین عمادزاده اصفهانی (1325-1410ق)، تهران.
- دنیای ناشناخته نیایش؛ نگرشی بر نیایش امام سجاد(ع)، شهید علی رضا تقدّس، چاپ هفتم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1371، رقعی، 88 ص.
- راه و رسم زندگی از نظر امام سجاد(ع)، ترجمه و تنظیم: علی گل زاده غفوری، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1355، رقعی، 223ص.
- رهبر آزادگان، سید ساجدان، علی بن الحسین(ع)، سید عبدالرزاق موسوی مقرر(1316-1395ق)، ترجمه: مرتضی فهیم کرمانی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1374، وزیری، 528 ص.
- زندگانی امام چهارم، حضرت زین العابدین(ع)، حسین عماد زاده اصفهانی(1325 - 1410ق)، چاپ سوم، تهران، انتشارات سعدی، وزیری، 477ص.
- زندگانی امام زین العابدین؛ علی بن الحسین(ع)، علامه سید محسن امین العاملی(1282 - 1371ق)، ترجمه: حسین وجدانی، تهران، انتشارات امیر کبیر، 1353، رقعی، 119ص.
- زندگانی امام سجاد(ع)، سید عبدالرزاق موسوی مقرر(1316-1391ق)، ترجمه: عزیز الله عطاردی، تهران.
- زندگانی با سعادت امام سجاد(ع)، مرتضی جوادی، قم، 1345، رقعی، 323ص.
- زندگانی علی بن الحسین(ع)، سید جعفر شهیدی(ره)، چاپ چهارم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1371، وزیری، 230ص.
- زندگی و سیمای حضرت امام علی بن الحسین، زین العابدین(ع)، سید محمدتقی مدرس، ترجمه: محمدصادق شریعت، تهران، مؤسسه فرهنگی انصار الحسین(ع)، 1370، وزیری، 108ص.
- کتاب نامه امام سجاد(ع)، سلمان حبیبی، مجمع جهانی اهل بیت(ع)، 1386ش، قم، 212 ص.
- معصوم ششم؛ علی بن الحسین، سید الساجدین(ع)، جواد فاضل(1335-1381ق)، تهران، انتشارات علمی، بی تا، رقعی، 195ص.
- مناجات های حضرت سجاد یا سخنان امام زین العابدین(ع)؛ تهران، شرکت سهامی طبع کتاب، بی تا، رقعی، 114ص.
- نکته های اخلاق و عرفان در مناجات های سید ساجدان(ع)، محسن غروی، قم، انتشارات نبوی، 1372، رقعی، 56 ص.
- نگاهی بر زندگی امام سجاد(ع)، محمد محمدی اشتهاردی، تهران، نشر مطهر، 1374، رقعی، 144ص.

پی نوشت ها :

- [1]. اربلی(ره)، كشف الغمة فی معرفة الائمة[ع] ج 2 ص 285؛ شیخ مفید(ره)، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد ص 253؛ طبرسی(ره)، إعلام الوری بأعلام الهدی ص 251. [بنا به قولی، آن حضرت در 15 جمادی الأولى سال 36 هجری به دنیا آمدند].
- [2] مقرر، الإمام زین العابدین(ع) ص 14.
- [3]. اربلی، كشف الغمة فی معرفة الائمة[ع]، ج 2 ص 86؛ ابن عبد ربّه، عقد الفرید ج 3 ص 97.
- [4]. شیخ صدوق(ره)، تحف العقول ص 255، خصال ص 565؛ جعفری، تشیع در مسیر تاریخ ص 286.

- [5]. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغة ج 11 ص 192 و ج 6 ص 186 و ج 5 ص 113.
- [6]. کشتی(ره)، اختیار معرفة الرجال ص 84؛ المختار الثقی ص 124.
- [7]. پیشین ص 84 ؛ طوسی، رجال ص 125.
- [8-9]. ابن سعد، طبقات الكبرى ج 5 ص 213 و 285.
- [10]. طبری، تاریخ الأمم و الملوك ج 5 ص 245.
- [11]. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغة ج 11 ص 192 و ج 6 ص 186 و ج 5 ص 113.
- [12]. شیخ طوسی(ره)، اختیار معرفة الرجال ص 81 .
- [13]. سبط ابن الجوزی، تذكرة الخواص، ص 186، اربلی(ره)، كشف الغمة... ج 2 ص 80.
- [14]. شیخ صدوق(ره)، تحف العقول ص 255؛ خصال ص 565.